

چون مایک در ترم گذشته کلاس های زیادی را از دست داد،
کافی از او خواست که در وب لاگ مطالبی را هر روز بنویسد.
او... به پدر خوبی! اولین کار را کرد.

اولین بار او نوشت: به جهنم زنده آمد. من فکری کنم که امروز به آنجا زنده آیم.
روز بعد او نوشت: امشب به سینما رنم. فیلم سیر و جانگو رو که لباس
این فیلم های خوب و کمی طولانی شد. فکر کنم منظورش این بوده که
طولانی شد. چند روز بعد از کریسمس او به گرد شگاه کوه بیدل رفت.
از بالای کوه چیزهای زیادی را دید.

سه روز بعد او نوشت که می خواهد به ساحل گلستون برود و در آنجا
شنا کند ولی ما نمی دانیم که او به آنجا زنده آید یا نه.

پس دانیال جواب مایک را داد او بدستی مایک را نمی شناخت، راه...
دانیال از زمین بازی هیچان زده شده بود و نوشت: به مجیب و
شور آدر بود. فکری کنم منظور دانیال بازی فوتبال زربال باشد.

روز دیگر یک فارسی زبان آمد و غلط مایک را درست کرد. بعد دانیال از
مرا فارسی زبان تشکر کرد. در سال بعد مایک نوشت: من دیروز در دریاچه
تراویس پیاده روی کردم. من منظور مایک رو نمی فهمم که چه طور نوشته روی
دریا راه برود. بچه ها بهتره که از مایک پرسند.